بازتاب کعبه دراشعار مولوی

دکترنصرالله امامی[1] ، دکتر فرزانه یوسف قنبری[2]

سهیلا فضیلت راد[3]

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۲
تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۱

چکیده

کعبه، مقدّس‌ترین معبد الهی، که عمری به درازای حیات این جهان دارد همچون نگینی بر تارک هستی می درخشد این بنای ارزشمند و آیین مقدّس حج، در شعر و ادب فارسی، جایگاهی ویژه و بس والا دارند و سخنوران و ادیبان، هر یک از زاویه‌ی خاص خود به آن ها توجّه کرده‌اند.در این میان شاعر بزرگ و عارف ادب فارسی یعنی مولوی بنا به دید عرفانی خود بدان نگریسته و در این راستا آثار ارزنده کعبه در اشعار این شاعرگرانقدر با مفاهیمی تقریبا یکسان جلوه می کندکه اهم آن ها عبارتند از: خانه‌ی دل، کعبه در مفهوم مجازی شرع، برتری کعبه‌ی دل بر کعبه‌ی گِل ، برتری حج باطن برحج ظاهر، کعبه در معنای حقیقی و در معنای مقصود والا.

کلید واژه‌ها: کعبه ، شعر فارسی ، قرآن ، مولوی ، تاثیر.

---

۱ – هیأت علمی دانشگاه چمران اهواز.ایران.
۲ – هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول،ایران.
۳ – دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان وادبیات فارسی دانشگاه آزاداسلامی واحد دزفول،ایران. fazilatrad@gmail.com

فصل‌نامه‌ی تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

العلما(م.۶۲۸هجری برابر با۱۲۳۰ میلادی مقارن حمله‌ی مغول به آسـیای صغیر رفت وبا خاندانش در قونیه مستقر شد وهمانجا بعد از فوت پدر تحت تعلیمات برهان‌الدّین محقق ترمذی قرار گرفت.

مولوی چندی در شـام کسب دانش می کرد و در بازگشت به قونیه به تعلّم علوم دینـی اشـتغال یافت تا با عارفـی واصل و بزرگ به نام شـمس الدیّن محمّدبن علی تبریزی در قونیه ملاقات کرد. ملاقات وی با شمس تبریزی در سال ۶۴۲ هجری قمری انقلابی در وی پدید آورد که موجب ترک مسند تدریس و فتوای وی شد و به مراقبت نفس و تذهیب باطن پرداخت تا در سال ۶۷۲ هجری(برابر با۱۲۷۳ میلادی) بمُرد.

مثنوی او در شـش دفتر به بحر رمل مسدس مقصوراست که در حدود ۲۶۰۰۰ بیت دارد. در این منظومه مولوی مسائل مهم عرفانی ودینی واخلاقی را مطرح می کند وهنگام توضیح به ایراد آیات و احادیث و امثال و یا تعرض به آن ها مبادرت می جوید.جز این، غزل های مولوی به منزله‌ی دریای جوشـانی از عواطف حاد واندیشـه های بلند شاعر است که باشیب وفراز ها همراه می باشد.(صفا،۱۳۸۰،ج:۱،صص۴۸۶ –۴۴۸).

مولوی، در اغلب ابیات خود شمس را مدّ نظر داشته و او را کعبه خود می داند!

– تـو کعبه عشّاقی شمس الحقّ تبریزی زمـزم شـکـر آمیـزد از زمـزم تـو جـانـا

– اگـر چه کعبه اقبـال جـان من باشـد هزار کعبه جان را به گرد تو اسـت طواف...

(مولوی،۱۳۸۸،۴۸).

مولوی درابیات فوق وهم چنین ابیات زیرتلمیح به آیه‌ی ۲۶ سوره‌ی حج دارد.

در آیه ۲۶ سوره مبارکه حج بعد از اینکه به داستان معبد شدن خانه خدا برای مردم اشاره می‌کند.

ـ وَ إِذْ بَوَّأْنـا لِإِبْراهِیـمَ مَکانَ الْبَیْتِ ـ خداوند متعال دسـتور می‌دهد تا آن را از هر گونه شـرک و آلودگی پاکیزه نمایند: « أَنْ لا تُشْـرِکْ بِی شَـیْئاً وَ طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ

فصل‌نامه‌ی تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

– کـعبه جان‌ها تویی گرد تـو آرم طـواف جغد نـیم برخـــراب هـیـچ نـدارم طواف
پیـشه ندارم جز این کار نـدارم جـز ایـن چون فلکم روزو شـب پیشه وکارم طواف
بهتر از این یار کیست خوشتر از این کار چیست پیش بـت من ســجود گرد نـگـارم طواف
رخت کشیـدم به حج تا کنم آن جا قـرار بـرد عرب رخـت مـن بـرد قـرارم طـواف
تشنه چه بیند به خواب چشمه و حوض و سبو تـشنه وصـل تـوام کـی بـگـذارم طـواف
چونک برآرم سجود باز رَهـم از وجـود کـعبـه شفـیعم شود چـونـک گـزارم طواف
حاجی عاقل طـواف چـند کند هفت هفت حـاجـی دیوانـه‌ام من نشـمـارم طـواف
خواجه عجب نیست اینک من بدوم پیش صید طـرفه که بر گـرد من کرد شکارم طـواف...

(مولوی ،۱۳۸۸: ۴۱۷)

مولـوی درایـن غزل با نگاه عارفانـه‌ی خود، واژه‌هایی چون طـواف، کعبه، حج مفاهیمی عرفانی وتفاسـیری معنوی به دسـت می دهد.عاشـقی که درطواف کعبه‌ی جانان است واز قید و بند ظواهر رسته است.

طواف به گرد کعبه برگرفته ازآیه‌ی ۲۶ سوره‌ی حج است:

در آیه ۲۶ سوره مبارکه حج بعد از اینکه به داستان معبد شدن خانه خدا برای مردم اشاره می‌کند ـ وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ ـ خداوند متعال دستور می‌دهد تا آن را از هر گونه شرک و آلودگی پاکیزه نمایند: « أَنْ لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ».

در تفسیر این آیه آمده است: «نهی در آن مقصود نهی از شـرک در عبـادت اسـت چـون کسـی که به زیارت کعبه مـی‌رود مقصودش عبادت اسـت و معنای «وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّـجودِ» این است که وحی کردیم که خانه را برای طواف‌کنندگان، نمازگزاران و راکعان و ساجدان تطهیر کن و منظور از اینکه بیت را به خود نسبت داده و فرمود: «بیتی»، این است که بفهماند این خانه مخصوص عبادت او

فصل‌نامه‌ی تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

که می‌فرماید: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً»(۱۲۵/بقره)

کعبه حریم امن

«خانه کعبه به این مناسبت «محل امن» نامیده می‌شود که خداوند مقرر فرموده کسی که به این خانه پناهنده شود تا هنگامی که در آنجا است جان و مال او ایمن باشد و هرگز ترس به خود راه ندهد و مردم به جهت عظمت و احترامی که برای این خانه قائل هستند به کسی که خود را در پناه آن قرار بدهد اصلاً متعرض نمی‌شوند. به واسطه رعایت همین احترام در دین اسلام مقرر گردیده است که قانون جزائی اسلام به کسی که پس از ارتکاب جنایتی در خارج به خانه کعبه یا به «حرم» پناهنده شود اجرا نشود. از طرفی برای آنکه این موضوع وسیله‌ای برای تعطیل حدود الهی نشود و افراد از این قانون سوء استفاده نکنند در اسلام مقرر شده است که آن شخص را از لحاظ مواد غذایی و آشامیدنی و خرید و فروش در مضیقه بگذارند تا ناگزیر از خانه کعبه و حرم آن خارج شود و حد الهی درباره او جاری گردد تا هم احترام خانه‌کعبه رعایت شود و هم حدود الهی تعطیل نگردد ولی به این نکته هم باید توجه داشت کسی که در خانه کعبه و حرم مرتکب جنایتی که موجب حد است گردید و احترام این مکان مقدس را رعایت نکرد بدون تأخیر در همانجا حد الهی درباره او باید جاری شود. قبل از اسلام نیز مردم همین احترام را برای خانه کعبه قائل بودند بطوری که اگر شخص قاتل پدر خود را در حرم می‌دید هرگز متعرض او نمی‌شد.

مردم این احترام را از شریعت ابراهیم علیه‌السلام فرا گرفته تا زمان پیغمبر اسلام (ص) رعایت می‌کردند (طبرسی، ۱۳۶۰،ج۲ص۳۸).

مولوی اشعارزیررا در باب اوّلین کسی که درمقابله‌ی نص قیاس آوردیعنی ابلیس سروده است.

تحرّی : رو به قبله آوردن(دهخدا،ذیل تحرّی).

ایـن قیاسـات و تـحرّی روز ابـر یـا بشـب مـر قبلـه را کردسـت حبـر
لیـک با خـورشـید و کعـبه پیش رو ایـن قیـاس و ایـن تـحری را مجـو
کـعبه نادیـده مکـن رو زو متـاب از قـیـاس الله اعـلـم بـالصـواب

(مولوی،۱۳۶۷،ج:۱،ص ۱۷۲،ش.ب.۳۴۷۷ –۳۴۷۵)

وقتی که موسـم حج می رسد،توقصد زیارت کعبه کن، وقتی که توبه قصد زیارت کعیه بروی ، خود به خود کعبه را نیز می بینی [در اینجا « کعبه »کنایه از جوهر اسـت و مکّه» کنایه ازعَرَض] (زمانی، ۵۵۳:۱۳۷۳).

– گفـت عـزم تو کـجا ای بایـزید رخـت غربـت را کجـا خواهـی کشـید
گفـت قـصد کـعبه دارم از پگـه گفـت هیـن بـا خـود چـه داری زاد ره

(مولوی،۱۳۶۷،ج:۲،ص ۳۰۴،ش.ب.۲۲۴۷ –۲۲۴۶)

کعبه در معنی حقیقی خود به کاررفته است. (زمانی،۵۵۶:۱۳۷۳).

_ صـد کمـر آن قوم بستـه بـر قـبا بـهـر هـدم مسـجد اهـل قـبا
همـچو آن اصـحاب فیل اندر حَبَش کعبـه‌ای کـردنـد حـق آتـش زدش
قصـد کـعبـه ساختـنـد از انتـقـام حالشـان چون شـد فـرو خـوان از کلام

(مولوی،۱۳۶۷،ج:۲،ص ۳۶۶،ش.ب.۲۹۲۸ –۲۹۲۶)

این منافقان مانند اصحاب فیل در حَبَش کعبه ای برپا ساخته بودند، ولی حق تعالی آن را به آتش کشید (زمانی، ۷۰۲:۱۳۷۳).

در این ابیات که فقیر به شـیخ عذرش را می‌گویـد، کعبه در معنی حقیقی خود به کار رفته است.

_ تـو به دَه رکعـت نمـاز آیی ملول مـن بـه پانـصـد در نیایـم در نحـول
آن یکـی تا کـعبه حـافی مـی‌رود ویـن یکـی تـا مسـجد از خود می‌شـود

آن یکی در پاک‌بازی جان بداد وین یکی جان کند تا یک نان بداد

(مولوی،۱۳۶۷،ج:۲،ص ۳۶۷،ش.ب.۳۵۸۷ –۳۵۸۵)

یک نفرممکن است تا کعبه با پای برهنه برود وخسته نشود، ولی دیگری ممکن است تادَم مسجد محلّ که می رود ازپا درآید (زمانی،۱۳۷۳،۸۴۵).

و قرآن کریم پس از ساختن کعبه توسط حضرت ابراهیم و اسماعیل آنجا که می‌فرماید: «وَ عَهِدْنا إِلی إِبْراهیمَ وَ إِسمَاعِیل أَنْ طَهِّرا بَیْتِیَ لِلطَّائِفِینَ وَ الْعَاکِفِینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ»(۱۲۵/بقره)، همچنین در خطاب به حضرت ابراهیم آنجا که می‌فرماید: «وَ أَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ»(۲۷/حج) عبادت حج را تشریع کرده و این آیه دلالت دارد که مردم از هر جای عالم از راه‌های دور و نزدیک دعوت حضرت را اجابت گفته‌اند.

– ای بسا مسجد بر آورده کرام لیک نبود مسجد اقصاش نام

کعبه را که هر دمی عزّی فزود آن ز اخلاصات ابراهیم بود

(همان، ج:۴،ص۶۷۳،ش.ب.۱۱۲۴–۱۱۲۳)

ابیات مذکور تأثیرپذیرفته از مفهوم آیه‌ی قرآن است.

«جَعَلَ اللهُ الْکَعْبَهَ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً . . . » (۹۷/ مائده) و «رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتی بِوادٍ غَیْرِ ذی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ . . .» (۳۷/ ابراهیم) و . . . اشاره نمود.

«فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْکُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ اذْکُرُوهُ کَما هَداکُمْ وَإِنْ کُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّینَ» (۱۹۸/ بقره)

«و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد «مشعرالحرام» یاد کنید. او را یاد کنید همانطور که شما را هدایت نمود؛ و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.» «وَ اذْکُرُوهُ کَما هَداکُمْ وَ إِنْ کُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّینَ» یعنی به یاد خدا بیفتید البته یادی که با نعمت (هدایت او شما را) برابر و مانند باشد چون قبل از هدایت، از گمراهان

فصل‌نامه‌ی تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

طـرف آن بیاینـد و یا به طرف آن عبادت کننـد . . . ولی لفظ آیه به این مطلب دلالت نـدارد که کعبه اولین خانه‌ی سـاخته شـده بـر روی زمین می‌باشـد و این مطلب را نمی‌رساند که قبل از آن هیچ خانه‌ای ساخته نشده بود»(طباطبایی،۱۳۶۳،ج۳ص۵۴۵).

مراد از کلمه «بکّه» زمین مکّه اسـت و وجه تسـمیه آن این اسـت که مردم در آن ازدحام می‌کنند.آیه شـریفه به آیه «رَبَّنا إِنِّی أَسْـکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِـکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِیُقِیمُـوا الصَّلاهَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَهً مِنَ النَّاسِ تَهْـوِی إِلَیْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ یَشْکُرُونَ»(۳۷/ ابراهیم) بر می‌گردد.

مایه هدایت بودن کعبه به این است که خداوند متعال با خلقت آن وتشریع حج در آن سعادت مردم را به آنها می‌نمایاند و ایشان را به مقام قرب خود می‌رساند.

– احـرام درش گیرد لافـرمان کـن وانـدر عرفـات نیسـتی جـولان کـن
– خـواهی که ترا کعبه کـند استـقبال مائـی و منـی را بـه منـی قربـان کـن
(مولوی،۱۳۶۳ :۱۵۵)

«حضـرت ابراهیم (ع) قبل از روز نهم ذیحجه خـواب دید که فرزندش را ذبح کند. وقتی از خواب بیدار شد به فکر فرو رفت که آیا خوابش صادقه است یا خیر؟ شب نهم ذیحجه مجدداً خواب دید که فرزندش را ذبح نماید، از این رو بر ایشان مسلم شد که باید اسماعیل را ذبح نماید. چون این معرفت در روز نهم و در سرزمین عرفات حاصل شد آن روز را روز «عرفه» و آن سرزمین را «عرفات» نامیدند(سیوطی،۱۴۲۱ه.ق، ج ۷ ص۱۱۱).

معنـای لغوی مِنی: آزمایش کردن، تقدیر و اندازه گرفتن و خون ریختن می‌باشـد (افرام‌البستانی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۰).

گفته شـده ممکن است نام این سـرزمین مُنی به معنی آرزوها باشد. در حدیثی از امام صادق (ع)

فصل‌نامه‌ی تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

-رهست‌ازعقرب‌اعشی‌به‌سوی‌عقرب‌گردون ولی مکّه کسی بیند که نبود بسته حیره
امیر حاج عشق آمد، رسول کعبه دولت رهاند مرتو را در ره زهر شریّر و شرّیره

مولوی دل را کعبه حقیقی می‌داند و می‌گوید زیارت کعبه دل کن؛ زیرا کعبه گِل، ظاهری است از کعبه دل.

طواف کعبه‌ی دل کن اگر دلی داری دلست کعبه‌ی معنی توگل چه پنداری
(مولوی،۱۳۸۸ :۹۷۰)

و باز در همین زمینه طواف کعبه حقیقی دل می گوید: تمام افلاک برگرد کعبه در طواف‌اند.

- چرخ فلک با همه کار و کیا گرد خدا گردد چون آسیا
گرد چنین کعبه کن ای جان طواف گرد چنین مائده گردای گدا
بر مثل گوی به میدانش گرد چون که شدی سرخوش بی دست وپا...
هر که به گرد دل آرد طواف جان جهانی شود و دلربا
(مولوی،۱۳۸۸ :۹۷۰)

مولوی آسمان را به طواف کعبه واداشته و آن را به همین جهت از آفات در امان شمرده است:

- پوشیده ای چو حاج تو احرام نیلگون چون حاج گرد کعبه طوافی همی کنی
حق گفت: ایمن است هرآنکو به حج رسید ای چرخ حق گزار ز آفات ایمنی
جمله بهانه‌هاست که عشق است هرچه هست خانه خداست عشق وتودرخانه ساکنی
(مولوی،۱۳۸۸ :۹۷۱)

از شورانگیزترین و پر معنی‌ترین اعمال و مناسک حجّ قربانی است که رسیدن ندا از جانب پروردگار و اثبات عبودیّت محض پدر و فرزند در مقابل فرمان الهی است. مولوی از قربانی چنین برداشتی دارد.

فصل‌نامه‌ی تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

اگر «کعبه گِل» محل طواف خلایق اســت، «کعبه‌ی دل» مطاف الطاف خالق اســت. آن «مقصد زوّار» است و این «مهبط انوار». آنجا خانه است و اینجا خداوند خانه» لذا پیام مولوی و همه عارفان مســلمان این اســت که در «قشر» نمانید به «لُبّ» هم سفر کنید، تنهــا با بدنه و پیکر عبادات مواجه نشــوید به «درون» و «باطــن» آن ها نیز بار بیابید. (شجاعی،۱۳۸۸ :۵۵).

۲- دیگــر آنکه او می گوید : در «خانه» نمانید که «خواجه خانه» و «خداوند بیت» نیز شایســته زیارت و دیدن اســت و البتّه این کاری است سترگ و همّتی مردانه طلب می کند و از همین روســت که عارفان می گویند: «حجّ خانه‌ی خلیل آســان است، اما حجّ حرم جلیل کار شیرمردان است; و لکلّ عمل رجال»..

بــاز بــرگرفته از آیه‌ی قرآن است که می فرماید: اگرچه دراین بیت منظور از کعبه، دل است امّــا در آیه ۲۶ سوره مبارکه حج بعد از اینکه به داستان معبد شدن خانه خدا برای مردم اشاره می‌کند.

ـ وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِيمَ مَكانَ الْبَيْتِ ـ خداوند متعال دستور می‌دهد تا آن را از هر گونه شرک و آلودگی پاکیزه نمایند: « أَنْ لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ»

این آیه شــریفه این نکته را متذکر می‌شــود که عمده عبــادت زائران کعبه، طواف و نماز، رکوع و ســجود است. و اینکه رکوع و ســجود متلازم بوده و قابل تفکیک از یکدیگر نمی‌باشند» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج۱۴ص۵۱۹).

اوّلیــن بار حضرت ابراهیم (ع) و فرزند دلبندش حضرت اســماعیل (ع) مأموریت یافتندکعبــه را تطهیرکنند؛ «و عهدنا الی ابراهیم و اســمعیل أن طهــرا بیتی للطائفین و العاکفین و الرکع الســجود» (بقره/۱۲۵) در مجمع البیان آمده اســت: «منظور از طائفین کسانی هستند که در گرد خانه کعبه مشغول طواف می‌باشند و منظور از عاکفین افرادی

هستند که مجاور خانه کعبه می‌باشند. (طبرسی، ۱۳۶۰،ج۲ص۳۷).

ارزش کعبه و بنای آن به دیده این صوفی نکته سنج، نه به مشتی گِل و مشکی آب است، بل به اخلاصی است که معمار موّحد این بنا در ساختمان آن واجد بوده است. آن اخلاص خداپرستانه و بت شکنانه ابراهیمی بود که در طریق طاعت حق، مخلصانه و رضامندانه کارد بر حلق فرزند بمالید و تردید بخود راه نداد و خدای آدمیان که سراپا لطف و مهر نسبت به بندگان خویش است پاداش اخلاص او را داد. (شجاعی،۱۳۸۸ :۵۷).

کتاب نامه

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. افرام البستانی، ف.، ۱۳۷۹، فرهنگ جدید عربی به فارسی (ترجمه منجدالطلاب)، ترجمه محمّد بندر ریگی، انتشارات حُر.

۴. جوادی آملی، ع.، ۱۳۸۱، صهبای حج ، تهران: مرکز نشر اسراء

۵. ــــــــــ، ع.، ۱۳۸۳، جلد ۶، تسنیم تفسیر قرآن کریم، تهران: مرکز نشر اسراء .

۶. دهخدا، علی اکبر،۱۳۷۳، لغت نامه، جلد۱، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب اسلامی.

۷. ــــــــــ.۱۳۴۵، لغت نامه، حرف (خ) بخش دوم، انتشارات مجلس شورای ملّی.

۸. زمانی، ک.۱۳۷۳، شرح جامع مثنوی معنوی،۷جلد، چاپ هفتم تهران: انتشارات اطّلاعات.

۹. سنایی، ابوامجد، ۱۳۸۸، دیوان حکیم ابوالمجد مجدودبن آدم سنایی غزنوی، به اهتمام وکوشش مدّرس رضوی، چاپ هفتم، انتشارات سنایی.

۱۰. سیوطی، ج ،۱۴۲۱ ، ه.ق .،الدرالمنثورفی التفسیربا لمأثور ، ج ۷، ۱، بیروت ، داراحیاءالتراث العربی.

۱۱. شجاعی، م.، ۱۳۸۸، حج درآئینه شعرفارسی،۲جلد، تهران: نشرمشعر.

۱۲. ــــــــــ.۱۳۷۵، «کعبه درآئینه شعرفارسی»، سال چهارم، ش۱۵، فصلنامهٔ میقات حج، صص۱۲۲-۱۱۳، بازیابی درتاریخ۹۳/۶/۲۴.

۱۳. صفا، ذبیح اللّه، تاریخ ادبیات درایران، جلددوم، چاپ چهاردهم، تهران: چاپخانهٔ رامین.

۱۴. طباطبایی،م.،۱۳۶۳، ترجمهٔ تفسیر المیزان ،جلد۲،۱۴،۳،ترجمهٔ سیدمحمّد باقرموسوی همدانی،قم، دفتر انتشارت اسلامی.

۱۵. طبرسی، ف.، ۱۳۶۰، ترجمه تفسیر مجمع البیان،جلد ۱۵،۱۳،۹،۲،۱ ترجمه سید

فصل‌نامه‌ی تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇